

مراحل تحول معنوی و درک مفهوم خدا در کودکان و نوجوانان ۷ تا ۱۴ ساله

فرزانه معتمدی، باقر غباری بناب

چکیده

خدا به عنوان یک مفهوم، می تواند تحول و شکل گیری دین داری شخصی افراد را تعیین کند. یکی از شرایط اساسی موفقیت در آموزش مفهوم خدا به کودکان، آشنایی با مراحل تحول معنوی کودک است. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط تحول شناختی، سن، جنس و وضعیت اقتصادی و اجتماعی کودکان و نوجوانان با برداشت از مفهوم خدا و یافتن مراحل تحول معنوی در آنها است. پژوهش از نوع پس رویدادی و روش نمونه گیری از نوع بلوکی تصادفی و حجم نمونه ۱۶۰ نفر از کودکان و نوجوانان منطقه شمال و جنوب تهران که در مدارس ابتدایی و راهنمایی (۸۰ نفر دختر و ۸۰ نفر پسر) حضور داشتند. در این پژوهش از روش بالینی پیاژه (مصاحبه) و آزمون برداشت از مفهوم خدا لارسن (۱۹۶۵) و آزمون نگهداری ذهنی مقدار و وزن استفاده شده است. یافته های پژوهش شامل دو قسمت یافته های کمی و کیفی بوده که در یافته های کمی تحول شناختی، سن و جنس آزمودنی ها با برداشت از مفهوم خدا رابطه مثبت و مستقیمی داشت ولیکن شرایط اقتصادی و اجتماعی در آن مؤثر نبود. در بعد یافته های کیفی، آزمودنی ها مفهوم خدا را با متغیرهای تحول شناختی درک می کنند، آموزش و نگرش والدین در برداشت از مفهوم خدا مؤثر است و یافته مختص این پژوهش آن بود که کودکان در راه شناخت خداوند از چهار مرحله عبور می نمایند: مرحله عینی (۷ الی ۸ سالگی)، مرحله بین بینی (۹ الی ۱۰ سالگی)، مرحله واقع نگری (۱۱ الی ۱۲ سالگی)، و مرحله انتزاعی (۱۳ سالگی به بالا). بحث: یافته های این پژوهش می تواند در بررسی و بازبینی آموزش مفهوم خدا به کودکان مفید واقع شود و ما را در درک بهتر فضای شناختی کودکان یاری دهد. افراد آگاه به مسائل شناختی کودکان و تحول معنوی آنها نه تنها برای برداشت های انسانگرایانه کودکان از خداوند، دچار نگرانی و واکنش منفی نمی شوند، بلکه می کوشند با بهره گیری از این تصورات، پلی برای رسیدن به اهداف آموزشی و تربیتی خود بسازند و کودک را در غنی سازی افکار خداشناسی اش یاری دهند.

واژه های کلیدی: تحول معنوی، مفهوم خدا، کودکان و نوجوانان